

راهکارهای روانی مقابله با فتنه‌گری از منظر نهج البلاغه

سید ولی الله حجازی* (دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم؛ مربی معارف دانشگاه امام خاмене‌ای)

hejazisv@gmail.com

محسن رفعت (دانشیار دانشگاه حضرت معصومه علیهاسلام)

mohsenrafaat@hmu.ac.ir

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۵)

چکیده

نهج البلاغه، به عنوان کتابی جامع در تربیت فردی-اجتماعی، به شکل ویژه‌ای به فتنه‌گری، عوامل و راهکارهای مقابله با آن پرداخته است. از آنجا که وقوع فتنه در هر دورانی ممکن است، سیره امیرالمؤمنین (ع) در مواجهه با آن می‌تواند به عنوان الگویی برای مقابله با فتنه‌های معاصر نظام اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی، در پی تبیین و شناسایی راهکارهای روانی برای مقابله با فتنه‌گری در نهج البلاغه است. این راهکارها به سه گروه «بینشی»، «گرایشی» و «کنشی» تقسیم می‌شوند. راهکارهای بینشی، مثل کسب بصیرت، نصیحت‌پذیری و آمادگی برای وقوع فتنه‌های دنیا، به حوزه شناخت انسان مربوط می‌شوند. راهکارهای گرایشی، مثل صلح‌طلبی و بی‌اعتنایی به وسوسه‌های شیطانی به تمایلات انسانی و راهکارهای کنشی، مثل تقوا (جوانحی و جوارحی)، استمداد و استغفار از خداوند به رفتارهای انسانی مربوط می‌شوند. این راهکارها می‌توانند در مواجهه با فتنه‌های معاصر، نقش مؤثری ایفا کنند.

کلیدواژه‌ها: امیرالمؤمنین (ع)، نهج البلاغه، فتنه‌گری، راهکارهای روانی، بینش، گرایش، کنش.

۱- مقدمه

ساحت‌های زندگی انسان را می‌توان با معیارهای مختلفی به امور: «فردی و اجتماعی»، «جسمی و روحی»، و «روانی و غیرروانی» تقسیم‌بندی کرد. از دیدگاه دانشمندان، جسم انسان به منزله لباسی است که بر روح پوشانیده شده و یا ابزاری است که از طریق آنها کارهایی انجام می‌دهد (سبحانی، ۱۳۵۸: ۳۸). به تعبیر برخی از نویسندگان، نفس و بدن، تأثیر متقابل دارند. به این معنا که نفس، بدن را تدبیر می‌کند و بدن نیز ابزار تکامل نفس در حیات دنیوی است (الهی‌راد، ۱۳۹۸: ۵۷). به همین خاطر، حتی پرورش جسم، مقدمه‌ای برای پرورش روح اوست (مطهری، ۱۳۹۱: ۵۰). بنابراین، برای شناخت راهکارهای مقابله با فتنه‌گری، شناخت

راهکارهای روانی از اهمّیت بسزایی برخوردار بوده و به همین دلیل، در این پژوهش به راهکارهای روانی مقابله با فتنه‌گری از دیدگاه نهج البلاغه پرداخته می‌شود.

از سویی، سعادت جامعه، علاوه بر ایجاد و رشد عوامل آن، نیازمند مدیریت و مقابله با موانع است. از مهمترین موانع سعادت جامعه، فتنه و فتنه‌گری است که بر اساس قرآن کریم، آثار سوء آن، از قتل و کشتار نیز بیشتر است. بر این اساس، یافتن راهکارهای مقابله با فتنه‌گری، نقش بسزایی در سعادت جامعه دارد. این راهکارها را با معیارهای مختلفی مانند: «فردی - اجتماعی»، «روانی - غیرروانی» و «کوتاه مدت - بلندمدت» می‌توان تقسیم‌بندی نمود. با وجود این، در میان راهکارهای مقابله با فتنه‌گری، راهکارهای روانی، به دلیل نقش زیربنایی و اساسی، از اهمّیت خاصی برخوردارند و در اثربخشی راهکارهای دیگر نیز کارایی زیادی دارند.

شناخت عوامل فتنه، در هر جامعه‌ای، به ویژه جامعه اسلامی، که در تضاد با منافع ستمگران است، از جایگاه خاصی برخوردار می‌باشد. اما برای مصون‌سازی جامعه کافی نبوده و علاوه بر این، باید راهکارهای مقابله با آنها را نیز بررسی کرد. در میان راهکارهای مقابله با فتنه‌گری، راهکارهای روانی، به دلیل قرابت با بُعد تربیتی و تصمیم‌گیری انسان، از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. به تعبیر دیگر، همانگونه که عوامل روانی فتنه‌گری، سرچشمه اصلی بسیاری از فتنه‌ها هستند، راهکارهای روانی مقابله با فتنه‌گری نیز کلید اساسی دفع و رفع بسیاری از فتنه‌هاست. از جمله مهمترین منابع برای یافتن راهکارهای مذکور، بعد از قرآن کریم، کتاب نهج البلاغه است که گوینده مطالب آن، کسی است که اشراف کامل به تمام ابعاد جسمی و روحی انسان داشته و نسبت به عوامل مختلف فتنه‌گری و راهکارهای مقابله با آن، از جمله راهکارهای روانی، آگاهی دارد. به همین دلیل، تحقیق پیش‌رو در پی پاسخ این سؤال است که راهکارهای روانی مقابله با فتنه‌گری از دیدگاه نهج البلاغه چیست؟

امیتاز کتاب نهج البلاغه در ارتباط با موضوع مورد بحث این است که محتوای آن ناظر به زمانی است که فتنه‌های متعددی جامعه اسلامی را فرا گرفته بود و به همین خاطر، در فتنه‌ها و شرایط اجتماعی مشابه، منبعی قابل توجه است و از طرفی، گوینده آن، دارای دو خصوصیت اساسی علم و عصمت بوده است. به همین جهت، نویسندگان مختلفی در مباحث فتنه‌شناسی، عوامل، آثار و راهکارهای مقابله با آن از گفتار و سیره آن حضرت استفاده نموده‌اند که برخی از آنها به شرح زیر است:

۱- کتاب طوفان فتنه و کشتی بصیرت، نوشته محمدتقی مصباح یزدی (انتشارات مؤسسه امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۶). این کتاب بخشی از گفتارهای آیت‌الله مصباح یزدی درباره فتنه‌شناسی است که به مباحثی مانند: مفهوم‌شناسی فتنه، عوامل فتنه، مکلف‌بودن آدمی در برابر فتنه‌ها، راز فتنه‌گری انسان و شیطان، ماهیت فتنه‌گران، ساده‌ترین راه شناخت فتنه‌گران، ویژگی‌های روانی سران فتنه، اهمیت بصیرت و آگاهی بخشی در مقابله با فتنه می‌پردازد. این کتاب در عین جامعیت علمی نگارنده، به صورت مفصل و مستقل به راهکارهای روانی فتنه‌گری، به ویژه از دیدگاه نهج البلاغه پرداخته و تکیه اصلی مباحث آن بر پایه قرآن کریم می‌باشد.

۲- مقاله «فتنه در نهج البلاغه، انگیزه‌ها و شیوه‌های مقابله با آن»، نوشته بتول علوی، (نشریه کتاب و سنت، دانشگاه قرآن و حدیث، ۱۳۹۳). نویسنده در این مقاله، به انگیزه‌هایی برای فتنه‌گری مانند پیروی از هوای نفس، دنیاپرستی و قدرت‌گرایی خواص بی‌بصیرت، برتری‌جویی و تفرقه پرداخته است. این مقاله، در ادامه به راهکارهای مقابله با فتنه‌گری مانند تقوا، تمسک به قرآن و اهل بیت علیهم السلام، اطاعت از رهبری الهی، شناخت مراکز فتنه و افشای آنها، بصیرت و اتحاد پرداخته است.

۳- مقاله «راهکارهای مبارزه با فتنه‌های اجتماعی با تکیه بر آیات و روایات»، نوشته علی حاجی‌خانی و علی بیدسرخی (پژوهش‌نامه معارف قرآنی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۳). این مقاله، از یک سو در صدد تبیین راهکارهای کوتاه‌مدتی نظیر برخوردهای نرم، روشن‌گرانه و در صورت لزوم، برخورد قاطع با طراحان فتنه‌هاست و از سوی دیگر در صدد پرداختن به راهکارهای بلندمدتی نظیر تربیت اخلاقی و معرفتی افراد جامعه و تقویت اعتقادات برای مبارزه با فتنه‌ها در پرتو تعالیم الهی است.

۴- مقاله «راهکارهای گریز از گرداب فتنه از دیدگاه نهج البلاغه»، نوشته فرزاد دهقانی (مجله اخلاق، ۱۳۹۴). این مقاله ابتدا به بیان ویژگی‌های فتنه پرداخته و سپس به انواع آن، فتنه‌های گذرا و رسوبی، اشاره کرده است. نویسنده، همچنین به مهمترین شگردهای فتنه‌گران برای گسترش فتنه پرداخته و در ادامه، در صدد بیان راهکارهای رهایی از فتنه از دیدگاه نهج البلاغه برآمده و آنها را به سه حوزه: «اعتقادی» شامل: تمسک به قرآن، تمسک به اهل بیت علیهم السلام و تقوا؛

«اخلاقی» شامل: پرهیز از غرور، تفاخر، خوردن مال حرام و «رفتاری» شامل: بصیرت‌افزایی، ثبات قدم در مبانی اعتقادی، حفظ وحدت، پیروی از قوانین الهی، دوری از فتنه‌گران و پیروی نکردن از گام‌های شیطان، تقسیم نموده است.

تمایز تحقیق حاضر با مقالات مذکور آن است که این پژوهش‌ها عموماً از دریچه راهکارهای روانی فتنه‌گری به این مباحث ورود ننموده و با توجه به گستردگی موضوع آنها، چندان امکان بررسی مفصل راهکارهای روانی فتنه‌گری را نداشته‌اند. در **ضرورت و اهمیت چنین پژوهشی همین بس که جمهوری اسلامی به جهت تبعیت از امیرالمؤمنین (علیه السلام) در ترسیم اهداف و روش‌ها، دارای شرایطی مشابه زمانه حضرت بوده و به همین خاطر، امکان تحقق فتنه‌های گوناگون توسط دشمنان وجود دارد. تاریخ انقلاب اسلامی، شاهد گویایی بر این مدعاست. بنابراین، ضروری است راهکارهای حضرت در مقابله با فتنه‌ها نیز مورد بررسی و الگوگیری قرار گیرد.**

۳- مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به هر تحقیق علمی، تبیین مفاهیم مهم و تخصصی به‌کاررفته در آن ضروری است. به ویژه آنجا که دارای معانی و کاربردهای متعددی نیز باشند. در تحقیق پیش‌رو، ابتدا به تبیین مفاهیمی همچون: «فتنه»، «روان» و نیز «نهج البلاغه» (به عنوان منبع اصلی تحقیق) پرداخته می‌شود.

۱-۳ روان

«روان» در لغت، به معنای جان، روح انسانی و نفس ناطقه می‌باشد (عمید، ۱۳۸۹: ۵۸۲). ولی در تفسیر آن، میان مکاتب مختلف و حتی میان روان‌شناسان نیز وحدت نظر وجود ندارد. به عنوان نمونه: برخی از نویسندگان، روان را همان «نفس» دانسته و به همین خاطر، علم النفس را نیز همان روان‌شناسی معنا کرده‌اند (روحانی و بهرامی، ۱۴۰۰: ۳۴). اما از دیدگاه برخی دیگر از نویسندگان، نفس که در دیدگاه اسلامی به معنای هویت اصلی انسان است، با نگاه غربی به روان متفاوت است. زیرا روان، در متعالی‌ترین حالت، باز هم وابسته به ماده است در حالی که نفس، از دیدگاه اسلامی، ماهیتی غیرمادی دارد (روحانی و بهرامی، ۱۴۰۰: ۵۳).

علاوه بر نظرات متعدّد در مکاتب مختلف، در روان‌شناسی نیز روان یک مفهوم ثابت در ذهن روان‌شناسان نیست که همه به دنبال شناخت آن باشند (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸۹). گویا بسیاری از روان‌شناسان، تعریف روان را بدیهی پنداشته و پیش‌فرض گرفته‌اند و به همین دلیل، هر مکتبی متناسب با نگاهی که نسبت به انسان داشته است، بُعد یا ابعاد خاصی از وجود انسان را پررنگ‌تر دیده یا برخی از ابعاد را به کلی نادیده گرفته است (روحانی و بهرامی، ۱۴۰۰: ۵۰). به عنوان نمونه: برخی، روان را ابعاد خاصی از انسان، شامل: هوش، ذهن، حالت و فکر دانسته‌اند (نجات و ایروانی، ۱۳۷۸: ۱۶۱). اما به نظر می‌رسد از کامل‌ترین تعاریف روان، که به کارکردها، منشأ و آثار آن توجّه داشته و مبنای پژوهش پیش‌روست، این تعریف باشد:

«روان، به مرتبه‌ای از نفس و منشأ ادراکات حصولی و ضبط و حفظ آنها گفته می‌شود. به عبارت دیگر، روان، مجموعه‌ای از توانایی‌ها و آگاهی‌ها، شامل: فهمیدن، استدلال‌کردن، توانایی‌های هوشی و ذهنی است که طی دوران زندگی و در اثر تربیت و تجربه‌های شخصی شکل گرفته و رشد پیدا می‌کند و شخصیت انسان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد» (شهیدی و فرج‌نیا، ۱۳۹۳: ۱۷).

از این تعریف فهمیده می‌شود، هر عاملی که مربوط به مرتبه‌ای از نفس - و نه جسم - انسان بوده و منشأ تفکرات، رفتارها و برداشت‌های انسان گردد، عامل روانی است. بنابراین، اگر به عنوان مثال: در درون انسان، روحیه دنیاطلبی بوده و باعث شود در تعارض بین منافع دنیوی و کيفر اخروی، منافع دنیوی را مقدّم دانسته و ارزش آن را بالاتر بداند، چنین صفت درونی، عامل روانی خواهد بود. این پژوهش که عنوان راهکارهای روانی مقابله با فتنه‌گری از دیدگاه نهج البلاغه را دارد، بر اساس همین معیار، به دنبال شناسایی و بررسی راهکارهایی است که اولاً، مربوط به مرتبه‌ای از نفس باشند و ثانیاً، منتهی به پیشگیری یا درمان رفتارها و برداشت‌های فتنه‌ساز گردند.

۲-۳ فتنه

برای واژه «فتنه» در کتب لغت، معانی متعدّدی مانند: سوزاندن، عذاب، ابتلاء، جنگ، گمراهی، عشق (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۲۸/۸-۱۲۷) و آزمایش (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۱۸/۱۳) مطرح شده است. به نظر می‌رسد در بین این معانی متعدّد، معانی ابتلاء و آزمایش مشهورتر

باشند (البته احتمال یکی بودن این دو نیز وجود دارد) که از حیث مدح و ذم (امور شایسته و ناشایسته) خنثی هستند اما آنگاه که در قالب واژه «فتنه‌گری» (اسم فاعل) قرار می‌گیرد، دارای معنای مذموم خواهد بود. همچنان که به شیطان، از آن جهت که باعث گمراهی بندگان می‌شود، «فاتن» گفته شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۱۸/۱۳).

با توجه به این نکات، شاید بتوان فتنه را در واژه فتنه‌گری، به معنای آزمایش خواند که احتمال مردود شدن و گمراهی در آن بالا بوده و فرد فتنه‌گر کسی خواهد بود که زمینه این آزمایش خطرناک را فراهم کرده است و یا اینکه فرد فتنه‌گر اساساً با قصد گمراهی دیگران اقدام به کاری نماید؛ هرچند قصد او در گمراهی دیگران، باعث مجبور بودن دیگران به گمراه شدن نبوده و آنچه در عمل اتفاق می‌افتد، همان آزمایشی خواهد بود که صرفاً امکان گمراهی در آن وجود دارد.

معنای گفته شده با سخن برخی از شارحان نهج البلاغه نیز تطابق دارد. به عنوان نمونه، ابن ابی الحدید در این باره می‌نویسد:

«فتنه، لفظی است که دارای معانی متعددی است، گاه به معنای بلایی است که به انسان می‌رسد، گاه به معنای امتحان و آزمایش است، گاه به معنای گمراهی و گاهی به معنای سوزاندن است. پناه بردن به خداوند از فتنه، اگر به معنای بلا، یا سوزاندن یا گمراهی باشد، اشکال ندارد، ولی پناه بردن به خداوند از آزمایش جایز نیست. به نظر من، اصل معنای فتنه، آزمایش و امتحان است و بقیه معانی به آن بازمی‌گردند» (ابن ابی الحدید، بی تا: ۲۴۹/۸-۲۴۸).

آیت الله مکارم شیرازی نیز در کتاب پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام می‌نویسد:

«فتنه به حوادث پیچیده‌ای می‌گویند که ماهیت آن روشن نیست؛ ظاهری فریبنده دارد و باطنی مملو از فساد؛ جوامع انسانی را به بی‌نظمی، تباهی، عداوت، دشمنی، جنگ و خونریزی، و فساد اموال و أعراض می‌کشاند و از همه بدتر این که قابل کنترل نیست. غالباً، در ابتدا چهره‌ای حق به جانب دارد و ساده‌اندیشان را به دنبال خود می‌کشاند و تا مردم از ماهیت آن آگاه شوند، ضربات خود را بر همه چیز وارد ساخته است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۲۳۶/۴).

علاوه بر این، دیدگاه برخی از دانشمندان معاصر نیز مؤید همین نکته است. به عنوان نمونه: مؤلف کتاب التَّحْقِيقُ فِي كَلِمَاتِ الْقُرْآن، در این باره می‌نویسد:

«اصل در مادّه «فتن» چیزی است که موجب اختلال و هرج و مرج همراه با اضطراب می‌شود و اموال، اولاد، اختلاف در آراء، غلوّ در چیزی، عذاب، کفر و ... از مصادیق آن است» (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۳/۹).

از دیدگاه وی، «فَتْن» به معنای اختلال در نظم است به گونه‌ای که موجب اضطراب گردد و «فِتْنَة»، نوعی از همان ایجاد اختلال در امور و اضطراب است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۵/۹).

۴- راهکارهای روانی مقابله با فتنه‌گری

پس از ارائه تعریف کلمات مهم، ضروری است به راهکارهای روانی مقابله با فتنه‌گری، که مقصود اصلی در این تحقیق است، پرداخته شود. بر این اساس، راهکارهای مذکور، در سه بخش: «بینشی»، «گرایشی» و «کنشی» قابل بحث و بررسی هستند.

۴-۱ راهکارهای بینشی

راهکارهای «بینشی»، راهکارهایی است که به ساحت شناخت انسان مربوط بوده و با استفاده از شناخت برخی از امور، می‌تواند در پیشگیری یا درمان فتنه‌گری اثرگذار باشد. بنابراین، همانطور که بینش افراد می‌تواند زمینه فتنه‌گری را فراهم نماید، می‌تواند زمینه مقابله با فتنه را نیز فراهم سازد که اموری مانند: کسب بصیرت و دانش و نیز نصیحت‌پذیری از این قبیل است.

۴-۱-۱ کسب بصیرت و دانش

یکی از عوامل فتنه‌گری جهل است. جهل نسبت به: ماهیت افراد، مصادیق واقعی دوست و دشمن، شیوه‌های دشمنی دشمن، شرایط زمانه و عکس‌العمل مناسب آن و مواردی از این دست. قرآن کریم به همین دلیل، از لزوم تحقیق درباره اخباری که به واسطه افراد فاسق به انسان می‌رسد، سخن گفته و عدم رعایت این نکته را موجب پشیمانی (حجرات: ۶) و به تعبیر بعضی از نویسندگان، موجب «فتنه و آشوب در جامعه» می‌داند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۵۷/۲۲).

در مقابل، یکی از راه‌های مقابله با فتنه، علم و بصیرت نسبت به شرایط زمانه، دوست، دشمن و ... است. امیرالمؤمنین علیه السلام، در چندین جای نهج البلاغه بر اهمیت علم و آگاهی تأکید نموده و نقش آن را در مقابله با فتنه‌ها روشن می‌سازد. ایشان درباره فتنه جنگ جمل می‌فرماید:

«آگاه باشید! شیطان حزب خود را گرد آورده و سواره و پیاده‌های لشکرش را فراخوانده است. ولی من آگاهی و بصیرت خود را همراه دارم. نه حقیقت را بر خود مشتبه ساختم و نه دیگری بر من مشتبه ساخته است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰).

برخی از شارحان نهج البلاغه در شرح این فراز می‌نویسند:

«تلبیس» از ماده «لباس» به معنای باطل را به صورت حق جلوه‌دادن است. گاهی نفس اماره انسان به باطل، لباس حق می‌پوشاند و گاهی فرد دیگری این کار را می‌کند. حضرت می‌فرماید: به حدّی حق برایم روشن است و به آن پایبند هستم که نه نفس اماره‌ام می‌تواند مرا از حق منحرف کند و نه تبلیغات دیگران. انسانی که طرفدار حق است، تک و تنها می‌ایستد تا پیروز شود. ایمان شجاعت می‌آورد، و مؤمن شجاع، عرصه را بر باطل تنگ خواهد کرد» (منتظری، حسین علی، ۱۳۸۳: ۱۳۵/۲).

آن حضرت در جای دیگری از نهج البلاغه، بر مقابله آگاهانه با فتنه‌ها تأکید می‌نماید (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۷)، بر بصیرت خود و نقش آن در مقابله با فتنه تصریح می‌کند و نتیجه آن را بریده شدن زبان فتنه‌گران اعلام می‌دارد:

«من بصیرت و بینایی خویش را به همراه دارم (حقایق کاملاً بر من روشن است). هیچ امری را بر کسی مشتبه نساختم و چیزی نیز بر من مشتبه نشده است. آنان همان گروه سرکش و ستمگرند که (پیامبر از آنها به من خبر داد و فرمود: فساد و زیان (در جامعه اسلامی) و اشتباه کاری ظلمانی همراه آنهاست ولی مطلب (برای هوشیاران) واضح است. (به همین دلیل) باطل از ریشه کنده شده و زبانش از فتنه‌انگیزی بریده است» (همان، خطبه ۱۳۷).

آن حضرت، عدم شناخت حق و باطل را باعث حیرت - که از لوازم فتنه است - عنوان نموده و دیگران را نسبت به تکیه بر افراد به جای تکیه بر حق نکوهش می‌کند. به همین دلیل، وقتی

شخصی به نام حارث بن حوط، خدمت حضرت عرض کرد: شما فکر می‌کنید من هم لشکر جمل را گمراه می‌دانم؟ (چنین نیست) امام علیه السلام فرمود:

«ای حارث! تو به پایین نگاه کردی نه به بالای سرت! به همین دلیل حیران شدی. تو حق را نشناختی تا کسانی را که به سراغ حق آمده‌اند بشناسی. باطل را نیز نشناخته‌ای تا کسانی را که به سراغ باطل رفته‌اند شناسایی کنی» (همان، حکمت ۲۵۴).

از دیدگاه برخی از شارحان نهج البلاغه، منظور از فوقیت (بالا بودن)، برتری به شرف و فضیلت بوده و منظور از تحتیت (پایین بودن)، پستی و دنائت است (ابن میثم، ۱۳۶۶: ۶۴۰). لکن در اینکه مصداق بالا و پایین چیست، دو وجه ذکر شده است: وجه اول آن است که پایین، شبهه اصحاب جمل (عایشه، طلحه و زبیر) بوده و بالا، حقی است که همراه امیرالمؤمنین علیه السلام است و وجه دوم آن است که پایین، نگاه مردم و بالا، نظر خداوند است (همو، ۱۳۶۶: ۶۴۰).

۴-۱-۲ نصیحت‌پذیری

واژه «نصیحت»، در لغت‌نامه‌های متعدد مطرح شده و برای آن و مشتقاتش معانی مختلفی بیان شده است. برخی، آن را به معنای پاک‌بودن سینه انسان (از غلّ و غش) دانسته (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۹۹/۳؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۱۴۷/۴) و برخی، بذل دوستی، تلاش در مشورت‌دادن به دیگران (ابن درید، ۱۹۸۸: ۵۴۴/۱)، خلوص، صدق (ازهری، ۱۴۲۱: ۱۴۷/۴) و حتی موارد دیگری را برای آن مطرح کرده‌اند. این واژه در قرآن کریم، نیز به معانی مختلفی مانند: گفتار یا کرداری که به صلاح صاحب آن است، اخلاص، اتقان و ... آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۰۸/۲).

در توضیح این بحث باید گفت: خداوند در قرآن کریم، انسان‌ها را به جهالت، ظلم (احزاب: ۷۲)، حرص (معارج: ۱۹) و کم‌طاقتی (معارج: ۲۰) توصیف نموده است. همچنین، آنها را فاقد علم در هنگام تولّد معرفی کرده، در عین حال، به نعمت گوش، چشم و عقل (دل) که به آنها داده است، اشاره نموده و داشتن روحیه شکرگزاری را از آنها طلب می‌نماید (نحل: ۷۸). از این آیات فهمیده می‌شود که انسان نباید خود را دانشمند، معصوم و انسان کامل دانسته و از طرف دیگر، لازم است برای رفع نقایص و صفات ناپسند خود تلاش نماید. لازمه

این تلاش، استفاده از تجربیات و نصیحت‌های دیگران بوده و به همین دلیل، خداوند، پیامبران خود را نصیحت‌کننده دیگران معرفی نموده است (هود: ۳۴).

نصیحت درست و معقول، یک رابطه دوطرفه است که برای تحقق آن، علاوه بر وجود نصیحت‌کننده (واعظ)، وجود نصیحت‌شونده نیز ضروری است. با توجه به این نکته، برخی از نصیحت‌شوندگان، نصایح درست و معقول را پذیرفته و در خود، روحیه پذیرش چنین نصیحت‌هایی را تقویت می‌نمایند ولی گروهی، در مقابل چنین نصیحت‌هایی روحیه انکار داشته و حاضر به پذیرش آنها نمی‌شوند (بقره: ۸۸). امیرالمؤمنین علیه السلام به تأسی از قرآن کریم (زمر: ۱۸-۱۷)، بر خصوصیت نصیحت‌پذیری انسان تأکید نموده و آن را راه مقابله با فتنه‌گری معرفی می‌نماید:

«شیطان، راه‌های انحرافی خویش را برای شما آسان جلوه می‌دهد و به وسیله تفرقه، فتنه بر پا می‌سازد. نصیحت را از کسی که به شما هدیه می‌کند، پذیرا شوید، و آن را محکم در درون جان خویش نگهداری کنید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۱).

آن حضرت علاوه بر تبیین راه مقابله با فتنه‌گری، به مصادیق عینی آن در جامعه نیز اشاره نموده، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (ذهنی تهرانی، بی تا، ج ۱، ۶۸۵) و به نظر برخی از شارحان، حضرت مهدی علیه السلام (مدرس وحید، بی تا: ۴۹/۱۰) را به عنوان نصیحت‌کننده مؤمنان راستین معرفی کرده و پندپذیری از او را شیوه مؤمنان در مقابله با فتنه برمی‌شمارد:

«گروهی با فتنه‌ها مماشات کردند (ولی گروه دیگری از مسلمانان راستین به پا خاستند که) به خاطر صبر و استقامتشان منتی بر خدا نمی‌نهادند. (این گروه مبارز) آگاهی و بینایی خود را بر شمشیرها حمل کردند (و آگاهانه با دشمن به مبارزه برخاستند) و به فرمان واعظ خویش (قیام نموده و) به پرستش پروردگارشان پرداختند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰).

۴-۱-۳ آمادگی برای وقوع آزمایش‌ها و فتنه‌ها در دنیا

از دیدگاه روایات اسلامی، هر انسانی به جهت رسیدن به کمال و استحقاق پاداش‌های فراوان الهی، دائماً در معرض امتحان قرار می‌گیرد (انفال: ۲۸؛ نهج البلاغه، حکمت ۹۳). بخشی از امتحان‌های الهی، قرارگرفتن در معرض فتنه‌ها (همان، خطبه ۱۵۰) و به ویژه فتنه‌هایی

است که احتمال گمراهی انسان به وسیله آنها وجود دارد. امیرالمؤمنین علیه السلام، قرارگرفتن در معرض فتنه و آزمایش را گریزناپذیر دانسته و درخواست صحیح از خداوند را قرارنگرفتن در معرض «فتنه‌های گمراه‌کننده» دانسته است:

«هیچ کس از شما نگویید خداوند! به تو پناه می‌برم از این که مرا امتحان کنی، زیرا هیچ کس نیست مگر اینکه امتحانی دارد. ولی اگر کسی می‌خواهد به خدا پناه برد و دعا کند، از آزمون‌های گمراه‌کننده به خدا پناه برد» (نهج البلاغه، حکمت ۹۳).
از دیدگاه آن حضرت، دنیا برای هر انسانی محل فتنه است (همان، خطبه ۲۳۳)، بنابراین، هر مؤمنی باید آمادگی برای قرارگرفتن در معرض فتنه‌ها را داشته باشد تا دچار غافلگیری نشده و بتواند در مقابل آن، مقاومت نماید. امیرالمؤمنین علیه السلام برای ایجاد آمادگی در افراد به منظور مقابله با فتنه‌های دنیوی، به تبیین ابعاد و آثار آن پرداخته و بدین وسیله آنها را به پیشگیری از گرفتاری در فتنه‌ها دعوت می‌نماید:

«برق درخشنده دنیا شما را خیره نکند و سخن ستاینده دنیا را نشنود. به دعوت‌کننده دنیا پاسخ ندهید و از تابش دنیا روشنایی نخواهید و فریفته کالاهای گران‌قدر دنیا نگردید. همانا برق دنیای حرام بی‌فروغ است. سخنش دروغ، و اموالش به غارت‌رفتی، و کالاهای آن تاراج‌شدنی است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۱).
به گفته برخی از شارحان:

«فریبده‌بودن زرق و برق دنیا به جهت آن است که دوامی ندارد و دروغ‌بودن سخنانش به دلیل این است که با هیچ کس در هیچ زمان وفا نکرده است. غارت‌شده‌بودن اموالش به جهت این است که پیوسته دنیاپرستان آن را از یکدیگر غارت می‌کنند و به سرقت‌رفته‌بودنش از آن روست که هر مالِ ظاهراً نفیسی که در دست کسی است، فرد دنیاپرستی چشم به آن دوخته و در فرصت مناسب آن را می‌رباید» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۳۴۰/۷).

۲-۴ راهکارهای گرایشی

پس از بیان راهکارهای بینشی فتنه‌گری، لازم است به راهکارهای «گرایشی» نیز پرداخته شود. راهکارهای گرایشی، راهکارهایی است که به حوزه تمایلات انسانی مربوط بوده و

می‌تواند برای پیشگیری یا درمان بیماری فتنه‌گری در جامعه تأثیرگذار باشد. اموری مانند: صلح‌طلبی و بی‌اعتنایی به وسوسه‌های شیطانی از جمله این راهکارهاست.

۱-۲-۴ صلح‌طلبی

فتنه‌های مختلف از جهت شرایط ایجاد و بقاء، متفاوت بوده و به همین دلیل، برای مقابله با آنها، باید راه‌حل‌های مختلف مورد استفاده قرار گیرد. همچنان‌که برای این امر، راه‌کارهایی در نهج‌البلاغه وجود دارد که گاهی در ظاهر، متناقض به نظر می‌رسند. به عنوان نمونه، امیرالمؤمنین علیه السلام برای مقابله با فتنه، هم از قاطعیت و مبارزه یاد می‌کند و هم از صلح‌طلبی؛ دو امری که در ظاهر تعارض دارند، اما توجه به انواع و شرایط مختلف فتنه‌ها این تعارض را برطرف می‌سازد.

به طور کلی، اگر در مصاف با فتنه‌ها، بدون آمیختگی حق و باطل و در نتیجه پنهان‌شدن حق، امکان صلح وجود داشته باشد، قطعاً صلح، اولویت خواهد داشت. اما اگر طرف مقابل، به هیچ‌وجه با صلح بر پایه مصالح مسلمین موافق نبود، چاره‌ای جز مبارزه نخواهد بود. به همین دلیل، حضرت در مواجهه با معاویه و طرفداران او نیز ابتدا بحث صلح را مطرح می‌سازند. ایشان درباره فتنه معاویه به صلح‌طلبی خود اشاره می‌کند، سپس عدم پذیرش درخواست خود توسط آنان را چنین بیان می‌دارد:

«ما به آنها گفتیم: بیاید امروز به فرونشاندن آتش فتنه و جنگ و آرام‌ساختن مردم، مشکل را به چیزی که ممکن است بعد از این به دست نیاید، درمان کنیم، تا امر خلافت، محکم و جمعیت مسلمانان متحد گردند و قدرت پیدا کنیم حق را در جای خود قرار دهیم (و مجرم را به کیفر رسانیم). آنها گفتند: ما می‌خواهیم این درد را با دشمنی و جنگ درمان کنیم، آری آنها (از پیشنهاد من درباره اقدام مسالمت‌آمیز) سر باز زدند تا جنگ، بال‌های خود را گشود و استقرار یافت» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۸).

معمول آثاری که امام علیه السلام در این فراز از نامه و در فرازهای بعدی آن، برای صلح مطرح می‌نماید برای مقابله با فتنه، اثرگذار است. آثاری مانند: آرامش عموم مردم، کاهش اختلافات جامعه، تقویت نظام و حکومت اسلامی، تقویت جایگاه حق، اتمام حجت برای دیگران، جلوگیری از بهانه‌جویی معاندان، جلوگیری از هلاکت و سقوط دیگران، جلوگیری از

پیمان‌شکنی دیگران و جلوگیری از تسلط خودکامگان (همان، نامه ۵۸)، از اموری است که هر کدام در رفع فتنه و آثار سوء آن بسیار تأثیرگذار است. از دیدگاه برخی از شارحان:

«امام علی‌علیه السلام باب گفتگو را میان خود و اهل شام باز نمود ولی آنها مخالفت کردند. امام علی‌علیه السلام، با روش‌های مختلف تلاش نمود تا میان او و معاویه جنگی اتفاق نیفتاده و معاویه به عدالت، حق و حدود شرعی باز گردد. اما معاویه به قصد تفرقه میان مسلمین، بر مخالفت خود اصرار می‌نمود. امام علی‌علیه السلام سعی کرد برای او حقیقت را بیان نماید تا آنها به سوی حضرت آمده، با صبر و تأمل، اتفاقات رخ داده را معالجه نمایند تا ارکان حکومت محکم گردیده و سپس احکام شرعی جاری شود ولی معاویه از راه عناد وارد شد» (موسوی، ۱۴۱۸: ۱۲۱/۵).

۲-۴ بی‌اعتنایی به وسوسه‌های شیطانی

قرآن کریم، انسان‌ها را نسبت به تبعیت از گام‌های شیطان برحذر داشته است (بقره: ۲۰۸). از این تعبیر فهمیده می‌شود که شیطان، انسان‌ها را کم‌کم و گام‌به‌گام به سوی انحراف می‌کشانند. در نتیجه، اگر کسی در گام‌های اولیه از وسوسه‌های شیطان تبعیت نماید، در ادامه، مخالفت با شیطان توسط او مشکل خواهد بود. از جمله انحراف‌هایی که شیطان به سوی آن دعوت می‌نماید، فتنه‌گری است که شیوه وسوسه او برای این انحراف نیز گام‌به‌گام خواهد بود.

از دیدگاه امیرالمؤمنین علی‌علیه السلام، منشأ بسیاری از فتنه‌ها، وسوسه‌های شیطانی است که به طرق مختلف، دیگران را به فتنه‌گری دعوت می‌کند. در این وسوسه‌ها، بنای شیطان بر آسان‌نمایی راه‌های پیشنهادی خود در قالب دعوت تدریجی بوده و بدین وسیله، زمینه فتنه و جدایی افراد جامعه از همدیگر را فراهم می‌سازد.

به عقیده یکی از شارحان، مصداق عملی روش شیطان برای فتنه‌سازی را در جریان صفین می‌توان مشاهده نمود. چرا که نخست، شیطان به آنها القا کرد که پذیرش حکمیت سهل‌ترین راه برای رسیدن به صلح و آرامش است. سپس آنها را به نافرمانی در برابر دستورات امیرمؤمنان

عَلَّاهُ در زمینه جهاد دعوت نمود و به دنبال آن، تفرقه و نفاق در آن لشکر عظیم افکند که نتیجه آن فتنه عمروعاص و فتنه خوارج بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۲۲۳/۵).

حضرت، در مقابل این، روی گردانی از وسوسه‌های شیطانی را وسیله رفع فتنه برمی‌شمارد: «همانا شیطان، راه‌های خود را به شما آسان جلوه می‌دهد، تا گره‌های محکم دین شما را یکی پس از دیگری بگشاید و به جای وحدت، بر پراکندگی شما بیفزاید و از راه تفرقه، شما را به فتنه بکشانند. پس، از وسوسه، زمزمه و فریب‌کاری شیطان روی بگردانید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۱).

اگرچه بعضی از شارحان، روی گردانی از وسوسه‌های شیطانی را به روی گردانی از مفسدین و گمراهان تفسیر نموده‌اند (مغنیه، ۱۳۸۷: ۲/۲۱۹)، اما به هر حال، خاصیت روی گردانی از وسوسه‌های شیطانی (و یا مفسدان و گمراهان) آن است که هر قدر سریعتر صورت گیرد، آسان‌تر خواهد بود. یعنی مقابله با گام اولی که شیطان پیشنهاد می‌کند، راحت‌تر از مقابله با گام دوم و سوم پیشنهادی اوست. نکته دیگر آن است که چنین روی گردانی، نه تنها درمان فتنه بوده، بلکه از فتنه‌ها پیشگیری نیز می‌نماید. در حالی که اگر به وسوسه‌های ابتدایی شیطان عمل نموده و وسوسه‌های بعدی مورد عمل قرار نگیرد، حداکثر، فایده درمان - و نه پیشگیری - را خواهد داشت. اهمیت این نکته با توجه به کمتر بودن هزینه‌های مادی و معنوی پیشگیری، عدم ابتلاء به عوارض مختلف و ... روشن‌تر می‌شود.

۳-۴ راهکارهای کنشی

پس از بیان راهکارهای پیشینی و گرایشی، ضروری است راهکارهای «کنشی» برای مقابله با فتنه‌گری نیز بررسی شوند. راهکارهای کنشی، راهکارهایی است که به ساحت رفتارهای انسانی ارتباط داشته و می‌تواند برای پیشگیری یا درمان بیماری فتنه‌گری مؤثر باشد. نکته قابل توجه آنکه برخی از راهکارهای مذکور، از جهات مختلف می‌توانند تحت عنوان‌های متفاوت قرار گیرند. به عنوان مثال، ایمان حقیقی به خداوند، می‌تواند به معنای باور بوده و بینشی محسوب گردد و می‌تواند علاوه بر باور، مشروط به عمل هم بوده و کنشی باشد. برای آنکه راهکارهای کنشی نیز در این تحقیق مطرح گردد، از اموری مانند ایمان حقیقی به خداوند و نیز یاد خدا

بودن در همه احوال، که می‌توانند از جهتی بینشی و از جهتی کنشی باشند، به عنوان راهکار کنشی یاد می‌شود.

۱-۳-۴ تقوا

تقوی از مادّه «وقی» بوده و برای این واژه و مشتقات آن، در کتب لغت، معانی ای همچون حفاظت آمده است (جوهری، ۱۳۷۶: ۲۵۲۱/۶) و برخی نیز به خاطر وضوح معنا، چندان در مقام تعریف آن برنیامدند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۳۸/۵). واژه تقوی، اگر چه در موارد مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما بیشترین استعمال آن در مورد تقوای نسبت به خداوند، اوامر و نواهی اوست. نویسنده مجمع البحرین، برای همین استعمال که در آیه «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ» (آل عمران: ۱۰۲) نیز آمده است، سه وجه ذکر می‌نماید:

الف) اطاعت از خداوند و عدم عصیان نسبت به اوامر و نواهی او، شکر نسبت به نعمت‌های الهی و عدم کفران و نیز یاد خداوند و عدم نسیان او. نویسنده مذکور، این تعریف را از امام صادق علیه السلام دانسته و آن را بهترین تعریف از تعاریف سه‌گانه می‌داند.

ب) پرهیز از هر نافرمانی نسبت به خداوند. این تعریف، از ابو علی جبائی نقل شده است. ج) جهاد در راه خداوند و عدم اثرپذیری از ملامت‌گران در راه اطاعت از او و نیز اقامه عدل در شرایط راحتی و سختی. این تعریف از مجاهد نقل شده است (طریحی، ۱۳۷۵: ۴۴۹/۱).

قرآن کریم، تقوا را زمینه‌ساز خروج خوانده است (طلاق: ۲). برخی از مفسران، متعلّق خروج را هم و غم دنیا (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۳۳۶۰/۱۰) و یا هر چیزی دانسته‌اند که موجب تنگی سینه انسان شود (صنعانی: ۲۴۲/۲). شبهات در دنیا، سكرات مرگ و سختی‌های روز قیامت (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۲۰/۱۹) از دیگر متعلّق‌هایی است که در تفاسیر آمده است. ولی امیرالمؤمنین علیه السلام، متعلّق خروج را فتنه‌ها دانسته و تقوای الهی را به منزله نوری در میان تاریکی برشمرده است:

«بدانید هر کسی تقوای خدا پیشه کند، خداوند برای او راه خروج از فتنه‌ها و نوری

برای رهایی از تاریکی‌ها قرار می‌دهد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۳).

به تعبیر برخی دیگر از شارحان:

«تقوا باعث خروج از فتنه می شود به گونه ای که حقیقت فتنه را دیده، از آن اجتناب نموده و از وقوع در آن کناره گیری می کند. دیدن حقیقت فتنه توسط متقین به خاطر آن است که چنین افرادی از گناه اجتناب نموده و به همین دلیل در پی کشف حقیقت (حکم الهی افعال) هستند و خداوند نیز آنها را به دیدن حقیقت فتنه موفق می گرداند» (موسوی، ۱۴۱۸: ۲۰۵۳).

آیت الله مکارم شیرازی، قسمت دوم عبارت حضرت را نیز برگرفته از آیات دیگر قرآن مانند «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» (انفال: ۲۹) یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید اگر تقوای الهی پیشه کنید برای شما وسیله جداسازی حق از باطل قرار می دهد، دانسته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۱۱۱/۷) و بدین وسیله، ربط قسمت دوم نیز با موضوع مقابله با فتنه روشن می شود. زیرا فتنه معمولاً در فضای غبار آلود و شبهه ناک رخ می دهد و وجود فرقان، که میان حق و باطل تمیز دهد، زمینه مقابله با آن را فراهم می کند.

در مقابل تقوا، اطاعت از شیطان و هوای نفس است که باعث فتنه و انحراف انسان شده و زمینه سقوط انسان را فراهم می سازد. امیرالمؤمنین علیه السلام، علاوه بر توصیه به تقوا برای مقابله با فتنه، عدم تبعیت از شیطان را نیز در مقابله با فتنه، تأثیرگذار می داند:

«مردم (در آن زمان) یا کشته می شوند و خونشان به هدر می رود و یا ترسان هستند (و به گوشه ای پناه می برند) و طالب امان اند. از گام نهادن در راه های شیطان و سراشیی های ظلم پرهیزید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۱).

به عقیده هاشمی خویی، یکی از مصادیق تقوا، یاد خداوند است:

«منظور از ذکر و یاد خدا، مطلق یاد خدا، اعم از تسبیح (منزه دانستن خداوند و گفتن ذکر سبحان الله)، تهلیل (نفی عبودیت غیر خدا و گفتن لا اله الا الله)، تحمید (ستایش خداوند و گفتن الحمد لله)، دعا، مناجات، تلاوت قرآن کریم و مانند اینهاست که مداومت بر اینها با زبان، همراه با حضور قلب و توجه به سوی خداوند، باعث صفا، نور و روشنایی قلب می شود» (هاشمی خویی، ۱۴۰۰: ۲۵۲/۴).

این نکته در روایات دیگری از حضرت نیز مورد تأیید قرار گرفته است. به عنوان نمونه: ایشان، شکر در درگاه الهی را یکی از راه‌های مصون ماندن از فتنه معرفی کرده است (ابن شعبه حرّانی، ۱۳۶۳: ۲۱۴).

آن حضرت در این باره می‌فرماید:

«خداوندی منزّه و برتر، یاد خود را مایه جلای قلب‌ها قرار داده که بر اثر آن گوش، پس از سنگینی (بر اثر غفلت)، شنوا شود و چشم، پس از کم‌سویی بینا گردد و از لجاجت و عناد به انقیاد و اطاعت بازگردد و رام شود» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۷).
از مهمترین مصادیق ذکر الهی نیز تلاوت قرآن کریم و تأمل در آن است که در خود قرآن آمده است (تکویر: ۲۷) و امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در نهج البلاغه بر آن تأکید کرده است. ایشان، یکی از صفات فتنه‌گران را دوری از کتاب خدا دانسته (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵)، بر خصوصیت تقابل قرآن کریم با فتنه تصریح و در این باره می‌فرماید:

«کتاب خدا را محکم بگیرید. چرا که رشته‌ای است مستحکم و نوری است آشکار، شفابخش و پرمفعت و سیراب‌کننده و فروشناننده عطش (تشنگان حق). تمسک‌جویان را حفظ می‌کند و نجات‌بخش کسانی است که به دامش چنگ زنند. کژی در آن راه ندارد تا آن را راست کنند و هرگز راه خطا نمی‌پوید تا به راه حقش باز گردانند. خواندن و شنیدن مکرّرش سبب کهنگی آن نمی‌گردد. آن‌کس که با قرآن سخن بگوید راست می‌گوید و آن‌کس که به آن عمل کند به پیش می‌رود» (همان، خطبه ۱۵۵).

آن حضرت نه تنها ذاکران الهی را دارای قدرت تعقل و تیزبینی می‌داند، بلکه خود آنان را نیز به صفاتی متّصف می‌نماید که برای جلوگیری از اثرگذاری فتنه بر دیگران، بسیار مهم بوده و بدین وسیله، دیگران را در زمان فتنه‌ها به همراهی و تبعیت از آنان فرا می‌خواند:

«مردم را به یاد ایّام‌الله و روزهای خاص الهی بیندازند و از مقام عظمت او بیم دهند. این افراد همچون راهنمای بیابان‌ها هستند که قافله‌ها را از گم کردن راه، نجات می‌دهند. هر کس راه حق را در پیش می‌گرفت، طریقش را می‌ستودند و او را به نجات، بشارت می‌دادند و آن‌کس که به چپ و راست منحرف شده بود، طریقش را نکوهش می‌کردند و از هلاکت بر حذر می‌داشتند (آری!) آنها چراغ‌های روشن

تاریکی‌ها بودند و راهنمایان در برابر شبهات» (همان، خطبه ۲۲۲).

در این میان، صفاتی مانند راهنمای بیابان‌ها، نکوهشِ روندگان به راه‌هایی غیر از راه مستقیم الهی، چراغ‌های روشن در تاریکی‌ها و نیز راهنمایان در برابر شبهات، از جمله صفاتی است که برای مقابله با فتنه به شدت مورد نیاز و اثرگذار است. آن حضرت در خطبه دیگری، چنین افرادی را معمولاً گمنام خوانده است. به طوری که اگر در اجتماع‌ها حضور داشته باشند، مورد شناخت دیگران نبوده و اگر حضور نداشته باشند، کسی جویای آنها نمی‌شود. با توجه به ضرورت مقابله با فتنه و اثرگذاری چنین افرادی برای رفع فتنه، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در زمان فتنه و برای نجات از عوارض سوء آن، باید تلاش نموده، چنین افرادی را شناسایی کرده و از آنان تبعیت نمود. آن حضرت در این باره می‌فرماید:

«و آن زمانی است که از تباهی‌های آن، کسی جز مؤمنان بی‌نام‌ونشان رهایی نیابند. آنانی که اگر در جایی حضور یابند شناخته نمی‌شوند و اگر غائب باشند کسی جویای آنها نیست. اینان چراغ‌های هدایت‌اند و برای سالکان راه حق در ظلمات جهل، نشانه‌های روشن‌اند. آنها در راه ایجاد فتنه و مفسده گام بر نمی‌دارند و به بازگ کردن عیب‌ها و خطاهای دیگران نمی‌پردازند و بیهوده‌گویی و یاهو سرایی نمی‌کنند. آنان کسانی هستند که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنها باز می‌کند و سختی‌های عذاب خویش را از آنها برطرف می‌سازد» (همان، خطبه ۱۰۳).

۲-۳-۴ استمداد و استغفار از خداوند

برای مقابله با فتنه، علاوه بر امکانات مادی و محسوس، استفاده از عوامل و کمک‌های غیبی، به ویژه استمداد از خداوند نیز لازم است. قرآن کریم، کمک گرفتن از خداوند را برای رفع هر مشکلی به انسان‌ها پیشنهاد می‌دهد (بقره: ۴۵). یکی از بزرگترین گرفتاری هر کشوری، وقوع فتنه در آن است. چرا که فتنه می‌تواند زمینه بسیاری از خطرات را فراهم نماید؛ به گونه‌ای که آثار آن حتی از قتل شدیدتر باشد (بقره: ۱۹۱). امیرالمؤمنین علیه السلام نیز علاوه بر دعوت همگان به استمداد از خداوند در تمامی مشکلات (نهج البلاغه، خطبه ۹۹ و ۱۷۵ و ۲۱۲)، در فتنه‌ها نیز به طور ویژه، دیگران را برای عبور موقّقت‌آمیز از آنها به یاری گرفتن از خداوند سفارش

می‌نماید (آمدی، بی‌تا: ح ۷۰۰۳)، که نمود آن را در مناجات آن حضرت با خداوند، به خوبی می‌توان مشاهده نمود:

«خداوندا! ما به سوی تو آمده‌ایم تا از چیزی شکایت به درگاهت آوریم که از تو پنهان نیست، هنگامی که مشکلات طاقت‌فرسا ما را به درگاه تو فرستاده ... نیازها، فوق‌العاده ما را خسته کرده و فتنه‌های سخت پی‌درپی دامن ما را گرفته است. خداوندا! از تو می‌خواهیم که ما را ناامید بر مگردانی و با حزن و اندوه، بازگشت ندهی. ما را به گناهان مان مؤاخذه مفرما، و به مقتضای اعمالمان با ما رفتار مکن» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۹).

حضرت در این خطبه، تلویحاً علت فتنه‌ها را اعمال و گناهان خود انسان‌ها دانسته و به همین دلیل، علاوه بر استمداد از خداوند، نسبت به اعمال گذشته، از حق تعالی طلب بخشش می‌کند. آن حضرت در جای دیگری از نهج‌البلاغه نیز با استفاده از علم لدنی، به ارائه اخبار غیبی پرداخته (موسوی، ۱۴۱۸: ۴۷۴/۵)، ابتدا به محل‌های رشد فتنه اشاره نموده، اهل فتنه را توصیف کرده، آثار آن را بیان نموده و سپس استغفار از خداوند را به عنوان راه مقابله با فتنه مطرح می‌کند:

«روزگاری بر مردم فرا می‌رسد که در میان آنها از قرآن چیزی جز خطوطش و از اسلام جز نامش باقی نخواهد ماند. مساجد آنها در آن زمان از جهت بنا، آباد و محکم ولی از جهت هدایت، خراب و ویران است. ساکنان آن مساجد و آبادکنندگان بدترین مردم روی زمین‌اند. فتنه و فساد از آنها برمی‌خیزد و خطاها به آنها باز می‌گردد، آن‌کس که در آن زمان از فتنه‌ها کناره‌گیری کند او را (به اجبار) به آن باز می‌گردانند و هر کسی که از آن‌جا وامانده است به سوی آن سوقش می‌دهند ... و هم‌اکنون این کار انجام شده و ما از خداوند خواستاریم که از لغزش‌ها و غفلت‌های ما درگذرد» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۶۹).

به تعبیر آیت‌الله مکارم شیرازی، جمله آخر این حکمت، اشاره به آن است که اگر مردم بیدار شوند و به درگاه الهی روی آورند و از غفلت‌هایی که داشته‌اند از پیشگاه خدا آمرزش بطلبند، امید است که آن بلاها و فتنه‌ها برطرف گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۷۶/۱۵). همچنان که ابن میثم، آن را دستوری عمومی دانسته و اقتدا به آن حضرت را در طلب بخشش از

خداوند واجب می‌شمارد (ابن میثم، ۱۴۰۴: ۴۲۴/۵). برخی از شارحان نیز شرایط زمان خود را مصداق این اخبار دانسته و به روش امیرالمؤمنین علیه السلام از درگاه خداوند استغفار می‌کردند (موسوی، ۱۴۱۸: ۴۷۵/۵).

نتیجه‌گیری

۱- نهج البلاغه از یک سو، به عنوان کتابی جامع برای ارائه زندگی فردی و اجتماعی مطلوب که در آن، مشکلات، فتنه‌ها و ... به حداقل برسد- محسوب می‌شود و از سوی دیگر، زمانه امیرالمؤمنین علیه السلام، مملو از فتنه‌های بزرگی بود که توسط گروه‌های مختلف محقق می‌شد. ایشان به همین دلیل، در جای جای این کتاب، به عوامل فتنه‌ها و راهکارهای مقابله با آنها، از جمله راهکارهای روانی، پرداخته است.

۲- راهکارهای روانی، دارای اقسام: «بینشی»، «گرایشی» و «کنشی» است.

۳- برای راهکارهای روانی بینشی، می‌توان اموری مانند: کسب بصیرت و دانش، آمادگی برای وقوع فتنه‌ها و نصیحت‌پذیری را ذکر نمود. به عنوان نمونه: شناخت ماهیت دنیا، موقتی بودن و نیز محدود دانستن آن می‌تواند انسان را از دنیاگرایی برحذر داشته و او را آماده وقوع فتنه‌ها و مقابله با آنها نماید.

۴- صلح‌طلبی و بی‌اعتنایی به وسوسه‌های شیطانی از راهکارهای گرایشی مقابله با فتنه از دیدگاه نهج البلاغه است. بنابراین، لازم است: ماهیت شیطان، عواقب خطرناک پیروی از او، شیوه‌های وسوسه نمودن انسان توسط او و راه‌های مقابله با او، مورد شناسایی قرار گیرد. به عنوان نمونه: از شیوه‌های وسوسه‌گری شیطان که در آیات و روایات آمده است، می‌توان به دروغ‌گویی او، تدریجی بودن وسوسه و ... اشاره نمود.

۵- تقوا، استمداد و استغفار همیشگی از خداوند متعال را می‌توان نمونه‌هایی از راهکارهای کنشی مقابله با فتنه‌گری از منظر امیرالمؤمنین علیه السلام دانست.

منابع:

۱. قرآن کریم.

۲. آمدی، عبدالواحد بن محمد (بی‌تا). غرر الحکم و درر الکلم. تحقیق: مصطفی درایتی، قم: مکتب الإعلام اسلامی.
۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله (بی‌تا). شرح نهج البلاغه. تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی.
۴. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ هـ. ق). تفسیر القرآن العظیم. تحقیق: اسعد محمد طیب، ریاض: مکتبة نزار مصطفی الباز، چاپ سوم.
۵. ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸ م). جمهرة اللغة. لبنان. بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ اول.
۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳). تحف العقول عن آل الرسول ﷺ. تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). لسان العرب. لبنان. بیروت: دار صادر، چاپ سوم.
۸. ابن میثم، میثم بن علی (۱۳۶۶). اختیار مصباح السالکین. تحقیق: محمد هادی امینی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۹. _____ (۱۴۰۴ ق). شرح نهج البلاغه. تهران: دفتر نشر کتاب.
۱۰. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ ق). تهذیب اللغة. لبنان. بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۱۱. الهی‌راد، صفدر (۱۳۹۸). انسان‌شناسی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)، چاپ اول.
۱۲. جلالی، حسین (۱۳۸۰). «درآمدی بر بحث بینش، گرایش، کنش و آثار متقابل آنها». مجله معرفت، شماره ۵۰، ص ۴۵-۵۶.
۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ ق). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية. تحقیق و تصحیح: احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ اول.
۱۴. ذهنی تهرانی، محمدجواد (بی‌تا). ترجمه و شرح نهج البلاغه (تنبيه الغافلين و تذكرة العارفين). مترجم: فتح‌الله کاشانی، تهران: پیام حق.

۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دار القلم، چاپ اول.
۱۶. روحانی، زینب سادات و هادی بهرامی احسان (۱۴۰۰). «مقایسه مفهوم نفس در قرآن با مفهوم روان در روان شناسی». فصلنامه نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، شماره ۱۱، ص ۳۳-۵۶.
۱۷. سبحانی، جعفر (۱۳۵۸). اصالت روح از نظر قرآن. قم: چاپخانه علمیّه.
۱۸. سیدرضی، محمد بن حسین (۱۳۸۲). نهج البلاغه. مترجم: محمد دشتی، قم: به نشر.
۱۹. شهیدی، شهریار و سعیده فرج نیا (۱۳۹۳). «روان شناسی و گرایش های متعالی: نقش روح و ابعاد مربوط به آن در رشد شخصیت انسان». مجله رویش روان شناسی. شماره ۳(۹)، ص ۳-۴۴.
۲۰. صنعانی، عبدالرزاق بن همام (۱۴۱۱ ق). تفسیر القرآن العزیز المسمی تفسیر عبدالرزاق. بیروت: دارالمعرفة، چاپ اول.
۲۱. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
۲۲. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ ش). مجمع البحرین. تحقیق و تصحیح: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، چاپ سوم.
۲۳. عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید. تهران: راه رشد، چاپ اول.
۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق). کتاب العین. قم: نشر هجرت، چاپ دوم.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). کافی. تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفّاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الاسلامیّه، چاپ چهارم.
۲۶. مدرّس وحید، احمد (بی تا). شرح نهج البلاغه. بی نا. بی جا.
۲۷. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التّحقیق فی کلمات القرآن. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا، چاپ هفتاد و نهم.
۲۹. معین، محمد (۱۳۶۳). فرهنگ معین. تهران: نشر امیرکبیر، چاپ ششم.

۳۰. مغنیه، محمدجواد (۱۹۷۹ م). في ظلال نهج البلاغة. بيروت. دار العلم للملایین.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵). پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام. تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۳۲. منتظری، حسین علی (۱۳۸۳). درس‌هایی از نهج البلاغة. تهران: سرایی.
۳۳. موسوی، عباس علی (۱۴۱۸ ق). شرح نهج البلاغة. بیروت: دارالرسول الأکرم صلی الله علیه و آله.
۳۴. نجات، حمید و محمود ایروانی (۱۳۷۸). «مفهوم سلامت روان در مکاتب روان‌شناسی». اصول بهداشت روانی، شماره ۳ (۱)، ص ۱۶۰-۱۶۶.
۳۵. هاشمی خویی، حبیب الله بن محمد (۱۴۰۰ ق). منهاج البراعة. شارحان: حسن حسن‌زاده آملی و محمدباقر کمره‌ای، تصحیح: ابراهیم میانجی، تهران: مکتبة الاسلامیة.
۳۶. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر (۱۳۸۳). فرهنگ قرآن. قم: بوستان کتاب قم، چاپ دوم.